

گفت: سپاس خداوند را که مردمی این چنین در اسلام قرار داده است که چنین رفتار می‌کنند. محمد بن اسماعیل بن ابی فدیک مدنی از هشام بن سعد، از زید بن اسلم، از پدرش نقل می‌کند که می‌گفته است برایم نقل کرده‌اند که: «معاذ بن جبل شنید مردی ضمن اظهار دلتنگی از ابوعبیده به تعریض می‌گفت؛ اگر خالد بن ولید می‌بود هیچ‌کس جرأت اظهار وجود نداشت. معاذ به او گفت: ای بی‌پدر معجزه نیازمند و مضطر به ابوعبیده است و به خدا سوگند ابوعبیده از برترین مردم روی زمین است.

ابوبکر بن عبدالله بن ابی اویس مدنی از سلیمان بن بلال، از ابوعبدالمزیز ربذی، از ایوب بن خالد بن صفوان بن اوس انصاری که از خاندان بنی غنم است، از عبدالله بن رافع آزاد کرده ام سلمه نقل می‌کرد: «چون مرگ ابوعبیده بن جراح فرا رسید و این موضوع در طاعون عمواس بود معاذ بن جبل را به جانشینی خود در مورد لشکریان برگزید.

واقدی از عبدالله بن ابویحیی اسلمی، از محمد بن ابراهیم بن حارث، از خالد بن معدان، از عرباض بن ساریه نقل می‌کند که می‌گفته است: «در بیماری مرگ ابوعبیده که پس از بازگشت او از سرخ^۱ بود، به دیدارش رفتم در شرف مرگ بود. گفت: خداوند گناهان عمر بن خطاب را بیامرزد. سپس گفت: از پیامبر (ص) شنیدم که می‌فرمود طاعون زده و و بازده و غرق شده و سوخته و زیر آوار مانده و زنی که دوشیزه بمیرد و کسی که به ذات‌الجنب درگذرد در حکم شهیدند.

واقدی از ثور بن یزید، از خالد بن معدان، از مالک بن بخامر نقل می‌کند ضمن توصیف ابوعبیده می‌گفته است: «مردی ضعیف و دارای چهره استخوانی و ریش کم‌پشت و قامت بلند و پشت نسبتاً خمیده بود و دو دندان پیشین او افتاده بود.

واقدی از ابوبکر بن عبدالله بن ابی سبرة، از قول مردانی از خویشاوندان ابوعبیده نقل می‌کرد که می‌گفتند: «ابوعبیده در چهل و یک سالگی در جنگ بدر شرکت کرد و در سال هجدهم هجرت به روزگار خلافت عمر در طاعون عمواس به پنجاه و هشت سالگی درگذشت و سر و ریش خود را با حنا و کتم رنگ می‌کرد. واقدی گوید: ابوعبیده از عمر بن خطاب روایت نقل می‌کرده است.

۱. سرخ، نزدیک نوک و مرز میان حمار و شام است و تا مدینه میرده منزل فاصله دارد، رکن: باقوت حموی، معجم البلدان، ج ۵، چاپ مصر، ۱۹۰۶ میلادی، ص ۷۰-۷۱.

شهبیل بن بیضاء

بیضاء نام مادر شهیل است و نام پدرش وهب بن ربیعہ بن ہلال بن مالک بن ضبہ بن حارث بن فہر است، نام مادرش ہم دعدہ است و او دختر جحدم بن عمرو بن عائش بن ظرب بن حارث بن فہر است، بہ روایت ابن اسحاق و واقدی شهیل در ہر دو ہجرت بہ حبشہ شرکت داشته است.

واقدی از محمد بن صالح، از عاصم بن عمر بن قتادہ نقل می کند: «شہیل و صفوان پسران بیضاء چون از مکہ بہ مدینہ ہجرت کردند در خانہ کثوم بن ہدم منزل کردند. گویند، شہیل در جنگ بدر در سی و چہار سالگی خود شرکت کرد و در احد و خندق و دیگر جنگہا ہم ہمراہ رسول خدا (ص) بود. پیامبر (ص) در راہ تبوک او را صدا کردند و گفت: گوش بہ فرمانم. مردم ہم بہ احترام سخن رسول (ص) ایستادند، و آن حضرت فرمود: ہر کس گواہی دہد کہ خداوندی جز خدای بکتانست و انباز و همانندی ندارد، خداوند او را بر آتش حرام می فرماید. شہیل در سال نہم ہجرت پس از بازگشت از تبوک در مدینہ درگذشت و فرزندى از او باقى نماند.

واقدی از مصعب بن ثابت، از عیسی بن معمر، از عباد بن عبداللہ بن زبیر، از عایشہ نقل می کند: «پیامبر (ص) بر جنازہ شہیل بن بیضاء در مسجد نماز گزاردند.

یحیی بن عباد و سعید بن منصور از فلیح بن سلیمان، از صالح بن عجلان، از عباد بن عبداللہ بن زبیر، از عایشہ نقل می کنند کہ: «دمتور دادہ بود جنازہ سعد بن ابی وقاص را در مسجد و نزدیک خانہ عایشہ بیاوردند. گوید: چون جنازہ سعد را از مسجد عبور دادند، بہ عایشہ خبر رسید کہ مردم در آن بارہ فراوان حرف زدہ اند. عایشہ گفت: چرا مردم این ہمہ حرف می زنند و حال آنکہ بہ خدا سوگند رسول خدا (ص) بہ جنازہ شہیل بن بیضاء در مسجد نماز گزارد.

علی بن عبداللہ بن جعفر از سفیان بن عیینہ، از ابن جدعان، از انس نقل می کند کہ می گفته است: «مسئترین اصحاب رسول خدا (ص) ابوبکر و شہیل بن بیضاء بودہ اند.^۱

۱. این صحیح نیست زیرا قبلاً گفت در جنگ بدر سی و چہار سالہ بودہ و در سال نہم ہجرت بہ هنگام حرکت چہل سالہ و حال آنکہ عثمان بن عفان از او مسن تر بودہ است. -م.

☆ واقدی می‌گوید: سهیل در چهل سالگی درگذشته است.

صفوان بن بیضاء

صفوان بن بیضاء برادر پدر و مادری سهیل است. گویند، رسول خدا (ص) میان صفوان بن بیضاء و رافع بن معلی عقد برادری بستند و هر دو در جنگ بدر شهید شدند. واقدی از محرز بن جعفر، از جعفر بن عمر و نقل می‌کند: صفوان بن بیضاء را طعیمة بن عدی کشته است، واقدی می‌گوید این یک روایت است و حال آنکه برای ما روایت هم شده است که صفوان بن بیضاء در جنگ بدر شهید نشده و در تمام جنگها همراه لشکر رسول خدا بوده است و در ماه رمضان سال سی و هشتم درگذشته و فرزندی نداشته است.

مَعْمَرُ بْنُ أَبِي سَرْحٍ

ابن ربیعة بن هلال بن مالک بن ضبة بن حارث بن فهر، کنیه‌اش ابوسعید و مادرش زینب دختر ربیعة بن وهب بن ضباب بن حجیر بن عبد بن معیص بن عامر بن لوی است. ابومعشر و واقدی نامش را معمر و موسی بن عقبه و محمد بن اسحاق و هشام بن محمد بن سائب کلبی نامش را عمرو ضبط کرده‌اند. فرزندان او عبارت‌اند از عبدالله که مادرش امامه دختر عامر بن ربیعه بن هلال است و عُمیر که مادرش دختر عبدالله بن جراح و خواهر ابو عبیده بن جراح است. به روایت ابن اسحاق و واقدی، معمر در هجرت دوم حبشه شرکت داشت، واقدی می‌گوید: در هجرت به مدینه معمر در خانه کلثوم بن هدم منزل کرد. و گویند، او در بدر و احد و خندق و دیگر جنگها همراه پیامبر بوده و در سال سی هجرت به روزگار عثمان در مدینه درگذشته است.

عیاض بن زُهَیْرٍ

ابن ابی شداد بن ربیعه بن هلال بن مالک بن ضبة بن حارث بن فهر، کنیه‌اش ابوسعید و مادرش سلمی دختر عامر بن ربیعه بن هلال است، به روایت ابن اسحاق و واقدی در هجرت

دوم حبشه شرکت داشته است.

واقدي از محمد بن صالح، از عاصم بن عمر بن قتادة نقل می‌کند: «چون عیاض از مکه به مدینه هجرت کرد در منزل کلثوم بن هدم ساکن شد. گویند، عیاض در بدر و احد و خندق و تمام جنگهای دیگر همراه پیامبر (ص) بود و در سال سی هجرت به روزگار خلافت عثمان در مدینه درگذشت و فرزندی از او باقی نمانده است.

عمرو بن ابی عمرو بن ضبة بن فهر

از خاندان محارب بن فهر است و کنیه اش ابوشداد بوده است.

ابومعشر و واقدي او را از شرکت کنندگان در بدر می‌دانند، موسی بن عقبه می‌گوید: عمرو بن حارث در جنگ بدر شرکت داشته است و ظاهراً چنین استنباط می‌شود که نام ابوعمر و حارث بوده است، موسی بن عقبه همین حارث را هم از شرکت کنندگان در بدر می‌داند ولی ابن اسحاق از او نام نبرده است. در کتاب هشام بن محمد بن سائب کلیبی ضمن افراد خاندان محارب بن فهر نامی از او ندیدیم.

واقدي از محمد بن صالح، از عاصم بن عمر بن قتادة نقل می‌کند: «عمرو بن ابی عمرو به هنگام هجرت از مکه به مدینه در خانه کلثوم بن هدم منزل کرد. واقدي گوید، عمرو در سی و دو سالگی در جنگ بدر شرکت کرد و در سال سی و شش درگذشت. همه کسانی که از مهاجران نخستین در جنگ بدر از قریش و همیمانان و بردگان و آزادکردگان ایشان شرکت داشته‌اند به روایت ابن اسحاق هشتاد و سه و به روایت واقدي هشتاد و پنج مرد بوده‌اند.